



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

محسن بزرگو

چند یادداشت در باب
امام حسین
علیه السلام



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چند یادداشت در باب حضرت امام حسین علیه السلام

نویسنده:

محسن برزگر

ناشر چاپی:

موسسه فرهنگی تبیان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	چند یادداشت در باب حضرت امام حسین علیه السلام
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۶	بزرگواری امام
۷	بنده خاص خدا و سرور مردم
۷	دردانه پیامبر اکرم
۷	شبهت امام حسین به پیامبر اکرم
۷	برادر رضاعی امام
۸	شعر امام
۸	مشاور رومی
۸	پدری نابکار
۸	دوستی ناباب
۹	کسوف عاشورا
۹	روز جمعه یا دوشنبه
۱۰	سر مبارک امام بر باب مسجد
۱۰	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

چند یادداشت در باب حضرت امام حسین علیه السلام

مشخصات کتاب

عنوان: چند یادداشت در باب حضرت امام حسین (ع)

پدیدآورندگان: امام سوم حسین بن علی (ع) (توصیف گر)

محسن برزگر (پدیدآور)

زبان: فارسی

صاحب محتوا: مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان

توصیفگر: سرگذشت نامه های فردی

افعال امام حسین (ع)

عصمت امام حسین (ع)

وضعیت نشر: قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۷

یادداشت: ۶ ملزومات سیستم: ویندوز ۹۸+ با پشتیبانی متون عربی؛ +IE۶ شیوه دسترسی: شبکه جهانی وبعنوان از روی صفحه

نمایش عنوان داده های الکترونیکی

شناسه: oai.tebyan.net/۳۳۵۳

تاریخ ایجاد رکورد: ۱۳۸۷/۱۰/۲۴

تاریخ تغییر رکورد: ۱۳۸۷/۱۰/۲۴

تاریخ ثبت: ۱۳۸۹/۶/۲۸

قیمت شیء دیجیتال: رایگان

مقدمه

در مدینه چشم گشود؛ به حسین نام گرفت. پدرش امیرمؤمنان بود، و مادرش، فاطمه دختر رسول خدا؛ و برادرش حسن و همه، دست پروردگان محمد رسول الله (ص). کنیه اش ابو عبدالله و لقب هایش؛ سید، طیب، زکی، مبارک، وفی و... از میان لقبها «سیدالشهدا» بیشتر آورده می شود، هر چند، اولین بار حضرت رسول اکرم (ص) بر عموی خود حمزه نهاد. دانستن این نکته در این جا بد نیست که، عرب های پیشین، آوردن کنیه را نشانی از سپاس، و لقب را بی احترامی می پنداشتند. در دیوان حماسه می خوانیم: اُکنیه حین انادیه لاکرمه ولا القبه و السوءة اللقبوا به فارسی: کنیه باشد احترامش بی شمار و زلقب پرهیز، زشتش بی شمار

بزرگواری امام

روزی حسین بن علی (ع) با قومی از صحابه و بزرگان عرب بر سر خوان نشسته بود و غذا می خورد و جبه دیبای، رومی گرانمایه نو پوشیده و دستاری به غایت نیکو بر سر بسته بود. غلامی، خواست که کاسه ای خوردنی در پیش او بنهد و از بالای سر او ایستاده بود. قضا را کاسه از دست غلام رها شد و بر سر و دوش حسین بن علی ریخت، و دستار و جبه، از خوردنی آلوده شد، ناراحتی در حسین پدیدار آمد، و از طیره و خجالت رخسار او برافروخت، سر بر آورد و در غلام نگریست، غلام چون چنان دید، بترسید که او

را ادب فرماید، گفت: (و الكاظمین الغیظ و العافین عن الناس) حسین - رضی الله عنه - روی تازه کرد و گفت: «ای غلام تو را آزاد کردم تا به یک بارگی از خشم و مالش من ایمن گردی.» همه حاضران را از آن علم و بزرگواری حسین در چنان حال عجب آمد و پسندیده داشتند. حکایتی که آمد در روضه الواعظین فتال نیشابوری به همین شکل آمده است، با این فرق که امام علی بن الحسین (ع) به جای حسین بن علی آورده شده است.

بنده خاص خدا و سرور مردم

نقل کرده‌اند: امام حسین بن علی (ع) را در حال طواف خانه خدا دیدند که پس از نماز در مقام ابراهیم (ع) گونه‌اش را بر مقام گذارد و با گریه [و نجوا] می‌گفت: بنده کوچکت به باب توست، گدای تو در خانه توست، خانه نشین در مانده‌ات به کوی توست و اینها را پی در پی بیان می‌کرد. پس [از به پایان رسیدن مناجات] امام از کنار چند گدا گذشت که در حال خوردن گرده نانی بودند، پس امام سلامشان کرد و ایشان حضرت را به خوردن دعوتش کردند، به نزد ایشان نشست و فرمود: اگر صدقه نبود با شما مشغول می‌شدم و سپس فرمود: برخیزید و به منزلم درآیید [و ایشان چنین کردند] پس غذا و پوشاک دادشان و به دستور آن حضرت به هر کدام چند درهمی نیز بدادند: «رؤی الحسین بن علی (ع) یطوف بالبيت ثم صار الی المقام فصلى، ثم وضع خده علی المقام فجعل يبکی و يقول: عبيدك ببابك، سائلك ببابك، مسكينك ببابك، يردد ذلك مرارا، ثم انصرف فمر بمساكين معهم فلق خبز يأكلون، فسلم عليهم فدعوه الی طعامهم، فجلس معهم و قال: لولا انه صدقه لا كلت معكم، ثم قال: قوموا الی منزلي، فاطعمهم و كساهم، ثم امر لهم بدرهم».

در دانه پیامبر اکرم

از ابوهریره چنین رسیده است: «با همین دو چشمانم دیدم و با این دو گوشم شنیدم از رسول الله (ص) در حالی که دو دست حسین (ع) را گرفته بود و پاهایش بر روی پای رسول خدا (ص) که می‌گفت: ای کوچولو بالا آی و پیر. «تَرَقَّ عَيْنَ بَقَّةً».

شبهت امام حسین به پیامبر اکرم

زهره (س) دست حسین را می‌گرفت و با او بازی می‌کرد و می‌خواند: ان بنی شبه النبی لیس شبیها بعلی پسر کوچکم مثل پیامبر است، مثل علی نیست. این روایت مقایسه گردد با: «حدثنا عبدالله، قال حدثني ابي، حدثنا محمد بن عبدالله بن الزبير حدثنا عمر بن سعيد، عن ابن ابي مليكة، قال اخبرني عقبه بن الحارث قال: خرجت مع ابي بكر من صلاة العصر بعد وفاة النبي (ص) بليال و علی یمشی الی جنبه، فمر بحسن بن علی يلعب مع غلمان، فاحتمله علی رقبتة و هو يقول: و ابي شبه النبی لیس شبیها بعلی، قال: و علی يضحك». عبد الله ما را گفت که پدرم مرا حدیث کرد که محمد بن عبد الله بن زبیر گفت به ما که عمر بن سعید حدیث گفت از ابن ابی ملیکه که او گفت: خبر داد مرا عقبه بن حارث که با ابوبکر از نماز عصر بر می‌گشتیم و علی (ع) به کنارش راه می‌رفت و این چند شب پس از وفات پیامبر اکرم (ص) بود، به حسن بن علی (ع) بر خوردیم که با کودکانی بازی می‌کرد پس ابوبکر او را به دوش خود کشید و خواند: پسرکم به مانند پیامبر است و شبیه علی نیست! او [چنین] می‌گفت و علی (ع) می‌خندید. وجه نزدیکی بین «و البیبی...» و «ان بنی» ظاهر است که با احتمال به یقین هر دو یک عبارت‌اند، ولی در چاپ و یا در نسخ خطی این اختلاف کتابتی به وجود آمده است.

برادر رضاعی امام

«عبدالله بن یقطر الحمیری» برادر رضاعی امام حسین (ع) بود. مادر عبدالله مدتی از امام حسین (ع) نگه‌داری می‌کرد؛ از این رو عبدالله را برادر رضاعی - شیری - امام حسین (ع) نیز گفته‌اند.

شعر امام

حضرت امام حسین (ع) به اشعاری استشهد فرموده‌اند، از جمله به اشعار برادر اوسی: سَأْمُضِي وَ مَا بِالموت عار علی الفتی اذا مانوی حقاً و جاهد مسلماً و به اشعار فروه بن مسیک مرادی: فان نهزم فهزامون قدما و ان تغلب فغیر مغلبینا و نیز خود حضرت سلام الله علیه اشعاری را فرموده‌اند؛ برای نمونه: یا دهر أف لک من خلیل کم لک بالاشراق و الاصلیل و یا بنا بر داستان مفصلی که در مطالب السئوال شافعی آمده است، امام فوری در جواب آن مرد عرب فرمودند: فمارسم شبحانی قد مَحَت آیات رسمیه سفور دَرَجَت ذیلین فی بوقاء قاعیه امام حسین (ع) نیز رباب و دخترش سکینه را بسیار دوست داشت و در وصف آن دو سروده بود: لعمرک اننی لاحب دارا تکون بها سکینه و الرباب احبهما و ابدل کل مالی و لیس لعابت عندی عتاب به جانت سوگند! خانه‌ای را دوست دارم که سکینه و رباب در آن باشند. آن دو را دوست دارم و هر چه دارم نثار آنان می‌کنم و برای عیب جویی در نزد من سرزنی نیست!

مشاور رومی

«هنری لامنس» معتقد است: نسطوری‌های شام یزید را تربیت کردند. این که بعداً یزید در دربار خود از مشاوران غیر مسلمان استفاده می‌کرد و حتی حاکمیت عبیدالله بن زیاد بر کوفه نیز به اشاره سرجون بود و شاعر دربارش همواره صلیبی بر گردن داشت. این مطلب مقایسه گردد، با پاورقی شهید آیه الله قاضی طباطبائی بر انیس الموحیدین مرحوم نراقی، ص ۱۸۱. راجع به خیانت معاویه در باج دادنش به روم و ندیم و بلکه وزیر قرار دادن «سرجون بن منصور روقی» را به خویش، که «سرجون» معرب «سرژیوس» و از بطارقه «بترق» یعنی «پاتریک» و از روم به دربار معاویه آمده و چه جنایت‌ها کرده و حتی در فراهم آوردن واقعه جانگدار کربلا و شور یزید با وی دست داشته است.

پدری نابکار

بلاذری آورده است: زمانی که ذبیح الله حسین بن علی (ع) کشته شد، عبد الله بن عمر به یزید بن معاویه نامه‌ای نوشت که چه بزرگ مصیبت و بلایی رسید و چه حادثه بزرگی حادث شد و هیچ روزی چون روز حسین (ع) نیست! یزید در جوابش نوشت: ای ابله نادان! ما به کاخ‌هایی آماده دست یافتیم و بر سر آن جنگیدیم پس اگر حق ما بود که هیچ و اگر حق غیر ما بود پس پدر تو، اول کسی بود که این چنین روش و سنت حق دزدی را بنا نهاد. «و روی البلاذری انه لما قتل ذبیح الله الحسین بن علی (ع)، کتب عبد الله بن عمر الی یزید بن معاویه، أما بعد فقد عظمت الرزیه و جلت المصیبه، و حدث فی الاسلام حدث عظیم، و لا یوم کیوم الحسین (ع) فکتب الیه یزید، أما بعد یا أحمق! فأننا جئنا الی بیوت منجده و فرّش ممهده و وسائل منضده، فقاتلنا عنها، فان یکن الحق لنا فعن حقنا قاتلنا، و ان یکن الحق لغيرنا فأبوک أول من سن هذا و ابتز واستأثر بالحق علی أهله».

دوستی ناباب

غزالی در باب لعن یزید بر خلاف دیگران با احتیاط فتوا داده است. جناب حجة الاسلام فاطمی نیا می‌فرمودند: بسیار برایم تعجب آور بود که چرا غزالی با آن مقام علمی اش چنان فتوایی را داده است؟ پس از گشت و گذاری که در میان تذکره‌ها داشتم، دریافتم که وی مدتی با قاضی ابن العربی الندلسی دم خور بوده است و با او حشر و نشر داشته؛ بنابراین برایم مسجل شد که اینها همه از ابن

العربی به غزالی سرایت کرده، زیرا وی در کتابش آورده است که کسانی که در روز عاشورا امام حسین (ع) را شهید کردند، کاری غیر شرعی نکردند! این سخن مقایسه گردد، با سخن دیگر ابن العربی که امام حسین (ع) را کشته شده شمشیر جَدش می‌داند. (نعوذ بالله). «قال العلامة المناوی: وقد غلب علی ابن العربی الغض من اهل بیت حتی قال: قتل بسیف جدّه»

کسوف عاشورا

در صواعق ابن حجر آمده است: از آیاتی که روز قتل آن امام ظاهر شد این است که آسمان تاریک گردید و ستارگان دیده شدند و هیچ سنگی را برنداشتند، مگر زیر آن خون سرخ تازه بود و هم گفت: آسمان سرخ گردید و آفتاب بگرفت؛ چنان که ستارگان در روز پدیدار آمدند و مردم پنداشتند قیامت آمد و در شام، هیچ سنگ از زمین برنداشتند، مگر زیر آن خون سرخ تازه دیدند. مترجم گوید: بر حسب قواعد نجومی در دهم ماه، خورشید نگیرد و چون در روایت «نصاری» نظیر این کسوف برای حضرت عیسی علی نبینا و آله (ع) نیز آمده است و منجمان اروپا بر حسب زیجات خود حساب کردند، وقوع کسوف را در آن وقت محتمل ندیدند. یکی از بزرگان ایشان اهل نجوم موسوم به «فلاماریون» کتاب عظیم الحجیم در این علم تصنیف کرده و این مسئله را متعزّض گردیده است و گوید: امثال این کسوف‌ها در غیر وقت مشخص که روایات مؤثّق وقوع آن را ثابت کند، نه به واسطه حائل شدن جرم ماه است؛ چنان که در کسوف‌های عادی بلکه به سبب کرات دیگری است، مانند ذوات‌الاذناب که مقادیر و کیفیات حرکت‌های آنها بر ما معلوم نیست و در زیجات ثبت نشده است.

روز جمعه یا دوشنبه

روز عاشورا که حسین (ع) کشته شد، جمعه دهم محرم، سال شصت و یکم هجرت بعد از نماز ظهر و سن آن حضرت ۵۸ بود و بعضی گویند شنبه بود و برخی گویند دوشنبه و اول صحیح است. ابوالفرج گفت این که عوام گویند عاشورا دوشنبه بود، روایت بر طبق آن نیامده است و ما به حساب هندی از همه زیجات استخراج کردیم اول محرم سال ۶۱ چهارشنبه بود. پس دهم آن جمعه باشد و این حساب دلیلی است روشن و روایت مؤید آن است. این مطلب مقایسه گردد، با پاورقی مرحوم آیه الله شعرانی که فرمود: در این حدیث - که در متن کتاب نفس المهموم آمده است - عاشورا صریحاً دوشنبه است و هنگام ترجمه این کتاب مقاتل الطالیین را ندیده بودم. وقت طبع اتفاقاً بدان برخوردم و ملاحظه کردم شاهزاده اعتضاد السلطنه علیقلی میرزا در حاشیه کتاب بر ابوالفرج که گوید عاشورا جمعه بوده، اعتراض کرده است که اول محرم سال ۶۱ هجری در هیچ زیجی چهارشنبه نیست و زیج‌ها در امثال این امور اختلاف ندارند، بلکه غره محرم سال شصتم چهارشنبه است و این بنده مترجم این کتاب هم در زیج هندی دیدم اول محرم سال ۶۱ روز یک شنبه است و عاشورا، سه شنبه می‌شود و لیکن حساب زیجات بر حسب امر اوسط است نه رویت حقیقی؛ چنان که در همان زیج صریحاً مرقوم است و شاید رویت یکی دو روز با حساب زیج که به امر اوسط استخراج شده است فرق داشته باشد. پس آن که گوید عاشورا دوشنبه بود، مانند کلینی و طوسی قولش به صحّت نزدیک‌تر است، چون ممکن است رویت هلال اول محرم شنبه باشد، یک روز پیش از حساب زیج، و عاشورا دوشنبه و عوام اهل عراق که در زمان ابوالفرج می‌گفتند دوشنبه بود دهان به دهان از پدران خود شنیده بودند و صحیح بود و فاصله زمان ابوالفرج از قتل امام (ع) قریب ۲۵۰ سال است و هم این بنده چند واقعه را از آن سال‌ها که مؤرخان معین کردند چندشنبه بود، حساب کردم مانند روز فوت معاویه که در پنج شنبه پانزدهم رجب سال شصتم گفته‌اند دیدم با زیج یک روز اختلاف است و شهادت امیرالمؤمنین (ع) را در سال چهارم؛ هم چنین دیدم و در این سال ۱۳۶۹ که تاریخ طبع این کتاب است اول محرم به رویت دوشنبه است و به حساب زیج یک شنبه، و یک روز اختلاف است. و ناسخ التواریخ گوید: واقعه فاجعه در سال شصتم بود. برای این که در این سال دهم محرم جمعه بود ولیکن این طریق ترجیح خطاست،

زیرا که نباید برای تصحیح روز در روایت آحاد خبر متواتر رادر سال رد کرد و برای اهل تاریخ، روز بیشتر شبهه می‌شود تا سال؛ چنان که اکنون اکثر مطلقین می‌دانند مظفر الدین شاه در ۱۳۲۴ از دنیا رفت و هیچ کس نمی‌داند چندشنبه بود، مگر به مراجعه و این تحقیق از خواص این کتاب است فاعرف قدره.

سر مبارک امام بر باب مسجد

در مسجد جامع دمشق مزار انبیا بسیار است و بر در گاهش که باب «جیرون» خوانند یحیی پیغمبر (ع) را بکشتند و سرش را بر دار کردند و در عهد یزید بن معاویه - علیه العنة - سر حسین (ع) را بر چوب کردند. در «نزهة القلوب» از فتال نیشابوری در روضه الواعظین چنین آمده است که: «... ثم امر برأس الحسين (ع) فنصب علی باب مسجد دمشق». لب؛ کویری تشنه لبانی غنچه خشک عطش در آغوش یک بغل آتش عطشواره‌واله و سرگشته پرپر بر دوش در نگاه عمیق آن حُسن حصین دریای نورو شرم بر پیشانی عرق بر عرق از بی آبی و بی یاری الهی رضاً بر ضائک از خاک تا بر افلاک گریه خون از آسمان شورش موج از بحر عروج ولی دو چشم کوچک و نیلی رنگ در رنگ هفت دریا برای دیدن یک قطره آب آب ناب که ناگه به یکباره دشنه نامرد زنباره پاره پاره کرد آن گل دردانه، شش ماهه الهی رضاً بر ضائک یک بغل گل سرخ سرخ در آغوش از عطش خاموش خاموش

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی

ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۰۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی

جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل

و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق

روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده

است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار

شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،

هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی

اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از

پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بداند، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

